



# سامان دهی کتاب‌های آموزشی، گام‌های امید بخش به سوی افق‌های روشن

پای صحبت محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دبیر پانزدهمین جشنواره کتاب‌های رشد

## اشاره

پانزدهمین جشنواره کتاب رشد در دی ماه سال ۱۳۹۶ در حالی برگزار می‌شود که حدود ۱۸ سال از آغاز طرح «سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی رشد» می‌گذرد. محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در ۹ سال اخیر دبیری این جشنواره را بر عهده داشته است و در سمت مدیرمسئول مجموعه مجلات رشد، این جشنواره و مجموعه اقدامات مربوط به سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی رشد را نیز مدیریت کرده است. اما گفت‌وگوی ما در آستانه برگزاری این دوره از جشنواره شکل دیگری گرفت و ایشان به جای ارائه گزارش دبیری جشنواره، موضوع خواندن، اهمیت مطالعه و توسعه سواد خواندن را با نگاهی تاریخی و تحلیلی مبنای صحبت‌های خود قرار داد. به همین دلیل هم گفت‌وگوی ما از شکل مصاحبه به گفتاری مبسوط و منسجم سوق پیدا کرد که برای حفظ انسجام آن، مطالب ایشان را، به همان شکل که بیان شده است، تقدیم حضور خوانندگان عزیز می‌کنیم.

❖ توسعه خواندن (مطالعه) و رابطه ناگسستنی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با این مأموریت اساسی  
ترجیح می‌دهم بحث را از موضوع «خواندن» که به نوعی فلسفه وجودی تشکیل و تأسیس دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم هست، شروع کنم. این دفتر در سال ۱۳۴۱ تأسیس شد. بعد از دو سال کار کارشناسی و تحقیقات اولیه، به این نتیجه رسید که یکی از مشکلات آموزش و پرورش (در آن دوران) کم خواندن یا حتی نخواندن است. چون در آن موقع (دهه ۴۰) خواندنی‌های مناسبی تولید نمی‌شدند و یا مقدار آن‌ها کم بود و مثل الان ناشران متنوع و زیادی در حوزه نشر کودک و نوجوان فعال نبودند، سعی کردند مشکل را حل کنند. بنابراین تصمیم گرفتند مجلاتی را منتشر و خواندنی‌های خوب و مناسب را بین دانش آموزان اقصانقاط کشور، با قیمت خیلی ارزان، توزیع کنند. البته این نکته هم مورد توجه بود که مجله‌ای که متولی آن آموزش و پرورش

است، هم از نظر اطمینان خاطر خانواده‌ها و هم از حیث محتوا و سلامت زبان و ایده‌هایی که در آن مطرح می‌شود، موفق خواهد بود. در هر صورت، از آن زمان به بعد بود که مجلات پیک منتشر شدند. در این زمینه، گزارشی (مربوط به سال ۱۳۵۱) موجود است که مدیرمسئول آن موقع مجلات، یعنی مرحوم آقای جهانشاهی، توضیح داده است یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که در زمینه توسعه خواندن در کشور برداشته شده و می‌تواند ملاک و مدل خوبی برای ارزیابی این حوزه باشد، همین مجلات کمک آموزشی است.

### • ترویج خواندن غیراجباری، کاملاً اختیاری و توأم با لذت

به تعبیری دیگر، آن موقع مجلات پیک مهم‌ترین منبعی بودند که در نظام آموزش و پرورش، برای توسعه سواد خواندن طراحی شدند. البته کتابخانه‌هایی که کمابیش در مدارس وجود داشتند و بعضی‌ها فعال بودند و بعضی هم چندان فعال نبودند و یا کتابخانه‌های کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان و از طرف دیگر کتابخانه‌های بعضی مساجد نیز در این زمینه فعال بودند، اما آنچه به‌عنوان منبعی برای خواندن و آن هم خواندن غیراجباری و کاملاً اختیاری و توأم با لذت در سیستم طراحی شد، این مجلات بود. دلیلش هم این بود که قالب‌های مجلات جذاب بودند و البته طیف پدیدآورندگان مجلات نیز، چه در زمینه‌های هنری و چه در زمینه‌های ادبی و علمی، آدم‌های قابل و کاردانی بودند.

در هر شکل، آموزش و پرورش از دهه ۴۰ به بعد در کنار کتاب‌های درسی زمینه‌ای را فراهم کرد که خوش‌بختانه، هم به جهت نیازی که خود آموزش و پرورش تشخیص می‌داد و هم نیازی که خود دانش‌آموزان و اولیا بدان عنایت داشتند، باعث تقویت و توسعه خواندن می‌شد؛ به نحوی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مجلات پیک با همه مختصاتی که قبل از انقلاب داشتند و بلکه قوی‌تر از آن، به مجلات «رشد» تبدیل شدند. یعنی آن گروه هنری که شالوده‌ای از آدم‌های قبل از انقلاب و جوان‌های بعد از انقلاب بودند و در زمینه تألیف و تحریریه مجلات آدم‌های کاردان و کاربلدی بودند، این جریان را ادامه دادند، به گونه‌ای که من می‌توانم بگویم، مهم‌ترین آدم‌هایی که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نقش‌آفرینی کرده‌اند، به نوعی قبلاً در مجلات پیک نقش داشته‌اند. در همین ارتباط آقای محمود کیانوش که عضو بسیار مهم و مؤثر مجلات پیک قبل از انقلاب و جزو انگشت‌شمار شاعران آن زمان بود، بعد از انقلاب، در نامه‌ای که به آقای مصطفی رحماندوست (از نخستین مسئولان مجلات رشد) نوشت، به این نکته اذعان کرد که: «شما که نسل انقلاب هستید، به مراتب از ما جلوترید و شعرهایتان هم از ما بهتر است.» در زمینه‌های داستان و نوشته‌های علمی، (هم نویسندگان قبل و هم بعد از انقلاب) در این مجلات همین‌گونه مؤثر و کارآمد بودند.

### • مجلات رشد پایگاهی برای گسترش موضوع خواندن در آموزش و پرورش

در ابتدای صحبت‌های این نکات را یادآور شدم تا گفته باشم که خوش‌بختانه، بعد از انقلاب، مجلات رشد پایگاهی برای گسترش موضوع خواندن در آموزش و پرورش شد و دیگر عوامل داخلی آموزش و پرورش هم دست به دست هم دادند تا این اتفاق مبارک در زمینه «خواندن و تقویت سواد خواندن» تداوم یابد. شاید یکی از دلایل ماندگاری‌شان این بود که مجلات پیک و رشد، هیچ موقع از نظر مالی از آموزش و پرورش تغذیه نمی‌شدند و به نوعی خودگردان بودند. همین امر یکی از مهم‌ترین عوامل بقا و دوام آن‌ها شد. بعد هم که دیدند کاری مفید، مؤثر و مرتبط با نیازهای بچه‌هاست، به آن دامن زدند. شما می‌بینید، مجلات پیک که در ابتدای راه، هفت عنوان بیشتر نبودند، در سال‌های بعد از انقلاب و به‌خصوص در سال‌های اخیر، به بیش از سی و چند عنوان ارتقا پیدا کرده‌اند و از نظر کیفی هم شما می‌توانید آن‌ها را با هم مقایسه کنید. خواهید دید خوشبختانه این رشد، قابل توجه است. از نظر کمی هم بسیار قابل اعتنا و مؤثر است و شمارگان مجلات حداقل ده برابر شده است. آخرین آماري که از شمارگان مجلات داریم، تولید و توزیع سالانه بالغ بر ۴۰ میلیون جلد است. مجلات رشدی که در این دفتر تولید می‌شوند، شاید از حیث سیستماتیک مهم‌ترین و تنها مرجعی باشند که این‌گونه انبوه و متنوع تولید و به اقصا نقاط کشور ارسال می‌شوند. در این میان، نکته مهم این است که در بعضی از نقاط دوردست و روستاهای خیلی دورافتاده کشور ممکن است به آن معنی کتابخانه‌ای وجود نداشته باشد و به همین دلیل کتاب و نشریه‌ای در اختیار بچه‌های این مناطق قرار نگیرد، اما مجلات رشد به دلیل مدل توزیع مویرگی، به آنجاها هم می‌رسد و خیلی اوقات تنها مجلاتی هستند که بچه‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. پس راجع به موضوع خواندن که سؤال کردید برای رونق آن چه اتفاقاتی افتاده است، یکی از مهم‌ترین وجوه همین کارهاست.

### • طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، واکنشی مسئولانه به

نابسامانی امور مربوط به کتاب‌های آموزشی یکی دیگر از کارهایی که متولی اجرای آن این دفتر است و وجهی از سامان‌دهی بحث کتاب‌های این حوزه و نیز وجهی از ترغیب و تشویق به خواندن است، همین داستان سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی است که ما در این دفتر دنبال می‌کنیم. شروع سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی به سال ۱۳۷۸ برمی‌گردد، پیشنهاد این طرح به خاطر نابسامانی در امور مربوط به کتاب‌های آموزشی، به خصوص کتاب‌های کمک درسی موجود و توسعه بی‌رویه آن‌ها و در عین حال کیفیت پایین این‌گونه تولیدات، مورد توجه قرار گرفت و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تمهیداتی را در این زمینه اندیشید.

اولین کار این بود که از ناشران خواست کتاب‌هایشان را بفرستند تا کارشناسان مطلع و آگاه به برنامه‌ریزی آموزشی و





درسی آن‌ها را بررسی کنند که اگر به لحاظ آموزشی کتاب‌های مناسب و استاندارد باشند و حداقل امتیازها را بیاورند، به‌عنوان کتاب‌های مناسب به جامعه معرفی شوند. در آغاز راه، این کار به شکل کاغذی و تحت عنوان کتاب‌نامه‌های رشد بود. بعد با حضوری که در فضای مجازی پیدا کردیم، این کار در این فضا هم گسترش یافت. خوشبختانه اکنون هم ما از این فضا به نحو احسن استفاده می‌کنیم، هم ناشران با ارتباط از طریق این فضا کارشان خیلی دقیق‌تر، منظم‌تر و سریع‌تر به نتیجه می‌رسد و هم ما به‌طور مرتب و منظم، کتاب‌های مناسب هر سال را در سایت مربوطه بارگذاری می‌کنیم.

کار دیگری که انجام می‌دهیم، درخصوص کتاب‌هایی است که از کیفیت بالاتری برخوردارند، آن‌ها را به شکل کتابی با عنوان فهرستگان رشد معرفی می‌کنیم و در ضمن نسخه رایگانی را به همه مدارس کشور اهدا می‌کنیم. غیر از این روش‌ها، جهت کمبود جا در کتاب‌های درسی، تنها کتاب‌هایی را که بسیار مناسب تشخیص داده می‌شوند و آن‌هایی را که خیلی بهتر باشد در انتهای کتاب‌های درسی معرفی می‌کنیم. کار دیگری که در همین راستا و البته به‌طور سمبولیک انجام می‌دهیم، برگزاری جشنواره‌ای است که امسال هم پانزدهمین دوره آن را شاهد هستیم و در طی این جشنواره، کتاب‌های مهم و ناشران برتر را شناسایی و به جامعه معرفی می‌کنیم.

### ♦ دامن زدن به امر خواندن و رونق موضوع کتاب و کتابخوانی توأم با لذت و اختیار

در بخش دوم صحبت هم می‌خواستم این را بگویم که همه فعالیت‌ها با محوریت کتاب، درواقع دامن زدن به امر خواندن و رونق امر کتاب و کتابخوانی است و این‌ها نشان دهنده این موضوع است که ما همچنان فلسفه وجودی دفتر، یعنی ترغیب و تشویق جامعه به خواندن و البته خواندنی توأم با لذت و اختیار را پی می‌گیریم و از آن غافل نیستیم.

در همین زمینه و در ادامه ارتباط و تعامل با ناشران و مؤلفان کتاب‌های درسی، میزگردهایی راجع به مسائل، مشکلات و ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد، تشکیل دادیم و کارگاه‌های آموزشی را برگزار کردیم تا مؤلفان کتاب‌های درسی، رویکردهای آموزشی درسی‌شان را تبیین کنند. شایان ذکر است که حدوداً ۹۰۰ ناشری که با ما ارتباط دارند، عمدتاً در این میزگردها، نشست‌ها و کارگاه‌ها شرکت کرده و حضور فعال داشته‌اند.

اقدام دیگر در این خصوص، انتشار فصل‌نامه‌ای تخصصی با عنوان «رشد جوانه» است که مجله‌ای الکترونیکی است و در سایت سامان کتاب بارگذاری می‌شود. همه این‌ها و اقدامات

متعددی که این چند ساله انجام شده‌اند، ارتباط ما را با ناشران بیشتر و بهتر کرده است.

### ♦ کتاب‌هایی که خوانده نمی‌شوند، پولی که اولیا هزینه می‌کنند!

آخرین آمار در زمینه کتاب‌های آموزشی که در آستانه برگزاری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، استخراج شد و قابل توجه هم هست، نشان می‌دهد، ما از سال ۱۳۹۴ تا پایان آبان ماه سال جاری (۱۳۹۶)، ۱۱۱۰۰ عنوان کتاب را بررسی کرده‌ایم، از این تعداد، ۳۴۰۰ عنوان کتاب‌های داستانی بوده‌اند که ۲۴۵۰ عنوان‌شان از نظر ما مناسب هستند. در همین آمار، ۷۲ درصد این کتاب‌ها، مناسب هستند. در حوزه کتاب‌های آموزشی دیگر (به غیر از کتاب‌های کمک درسی) از ۴۸۵۴ عنوان کتاب ۲۸۵۵ عنوان، یعنی ۵۹ درصد کتاب‌ها مناسب بوده‌اند، اما در حوزه کتاب‌های کمک درسی، از ۲۸۴۲ عنوان کتابی که برای ما فرستاده‌اند، ۷۶۳ عنوان، یعنی ۲۷ درصد آن‌ها کتاب مناسب تشخیص داده شده‌اند، یعنی کمترین عدد و رقم کتاب‌های مناسب به کتاب‌های کمک درسی مربوط است. معلوم است که این ناشران (البته ناشرانی که من می‌گویم، ممکن است در حوزه‌های دیگر کتاب هم فعالیت کنند)، در این بخش، (کتاب‌های کمک درسی) تنها ۲۷ درصد کتاب‌های مناسب و متأسفانه بالغ بر ۷۳ درصد کتاب نامناسب داشته‌اند. نکته‌ای که باید بدان توجه کنیم و از این آمارها نتیجه‌گیری می‌شود، این است که متأسفانه این بازار در جامعه ما به‌صورت عینی وجود دارد. البته خیلی چیزهای دیگر هم به این بازار دامن می‌زند. مثلاً یک بخش از دامن زدن به این بازار، سازوکار فروش این کتاب‌ها و نوع تصویری است که بین اولیا وجود دارد. با کمال تأسف بسیار از والدین فکر می‌کنند با خرید حجم بیشتری از کتاب‌های کمک درسی می‌توانند به موفقیت بیشتر فرزندانشان کمک کنند، در حالی که مشاهده شده است، به‌خصوص در موضوع کنکور، این نوع نگاه و حجم انبوه کتاب‌هایی که غالباً هم خوانده نمی‌شوند، به بچه‌های ما آسیب می‌زنند و دانش‌آموز از این رهگذر امتیاز مثبتی کسب نمی‌کند.

### ♦ آسیب‌های فراگیر و کودکانی که به جای بازی کردن تست می‌زنند

اما نکته‌ای که برای ما نگرانی بیشتری ایجاد کرده، این است که دامنه کتاب‌های کمک‌درسی دائماً به سمت سنین پایین‌تر و کلاس‌های ابتدایی می‌آید و اگر این جریان به این سمت پیش برود، قطعاً با اهداف وزارت آموزش و پرورش مغایرت‌هایی دارد که اصلاً قابل چشم‌پوشی نیست. این شکل از یادگیری که ملاک

ارزیابی دانش آموز موفق، تنها تست زدن است. هیچ خلاقیتی در آن نیست و یادگیری واقعی شکل نمی‌گیرد، به همین دلیل ممکن است بسیار آسیب‌زا و برای دانش‌آموزان تهدیدکننده باشد. نکته دیگر که در جای خودش آسیب‌زاست و به جامعه معلمان ما بر می‌گردد. این است که تنوع موجود در کتاب‌های کمک درسی، ظاهراً کار معلمان را از باب طراحی سؤال‌های بیشتر و تنوع سؤال‌ها، ساده‌تر کرده است. اما این وظیفه ذاتی معلم است که وقتی درسی را تدریس می‌کند، راجع به آن پرسش‌هایی هم مطرح کند و آموخته‌های دانش‌آموز را ارزیابی کند و مثلاً دانش‌آموز را از نقطه الف به نقطه ب برساند. منتها انبوه‌سازی این کتاب‌ها، همان‌طور که دانش‌آموز را جست‌وجوگر و فکور نمی‌کند، معلم را هم از خلاقیت و پویایی باز می‌دارد و در کل، جریان تدریس و آموزش و یادگیری را مختل می‌کند.

#### ❖ در ادامه راه باید تمرکز را بر سامان‌دهی کتاب‌های کمک درسی بگذاریم

با تصویری که مقابل چشم مخاطبان عزیز قرار گرفت، شاید بتوان گفت، مشکل سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، به‌طور عمده در خصوص کتاب‌های کمک‌درسی است، چون اگر روندی که در کتاب‌های داستانی و کتاب‌های کمک‌آموزشی وجود دارد، ادامه پیدا کند، ما پیش‌بینی می‌کنیم در سال‌های آینده اساساً بحث کتاب‌های داستانی و کمک‌آموزشی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حل و فصل شود و با همان مجوزی که ارشاد می‌دهد و حمایت‌هایی که آموزش و حوزه پرورش می‌کند، بالغ بر ۹۰ درصد کتاب‌های این حوزه مناسب تشخیص داده شوند که سطح و حد مناسبی هم هست. البته با چنین تصویری، ما دیگر کتاب مناسب و نامناسب نخواهیم داشت و تنها فهرستگان کتاب‌های برتر را انتخاب خواهیم کرد و به جشنواره رونق بیشتری خواهیم داد.

منتها به نظر می‌رسد این داستان کتاب‌های کمک‌درسی همچنان ادامه دارد و دیالوگ و گفت‌وگویی که بین ما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شروع شده است، هنوز خیلی جدی نیست و به تعمیق و توسعه بیشتر نیاز دارد.

ما اعتقاد داریم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید راهنماها و استانداردهایی را که ما برای کتاب‌های موفق و مناسب، و غیرمناسب تدوین کرده‌ایم، در چرخه داوری و گزینش کتاب‌ها بگذارد. چون ۷۲ درصد کتاب‌های داستانی مناسب هستند، نشان دهنده این است که دو وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش در این زمینه خیلی به همدیگر نزدیک شده‌اند.

❖ **مصوبه ۸۲۸:** پیمانی که می‌تواند کارها را به سامان‌تر کند توجه به مصوبه ۸۲۸ هم می‌تواند خیلی راهگشا باشد، چون این مصوبه قانونی اساساً برای ایجاد مشارکت و همکاری معاونت‌ها و سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی کشور است. همچنین، همراهی همه دستگاه‌های مربوطه در اجرای این مصوبه الزامی است. مصوبه‌های شورای عالی آموزش و پرورش را که رئیس‌جمهور ابلاغ می‌کند، لازم‌الاجراست و این مصوبه به روشنی می‌گوید که وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید تعامل داشته باشند و این بند از مصوبه در حال حاضر مغفول است. در همین زمینه، لازم است در داخل آموزش و پرورش هم معاونت پرورشی همراهی بیشتری کند و معاونان آموزشی مدارس هم از باب نظارت بر محتوای آموزشی در مدارس، نسبت به تجهیز کتابخانه‌ها به منابع استاندارد و مناسب، اشراف داشته باشند و اهتمام بیشتری به خرج دهند.

آنچه در پایان می‌توان گفت، این است که ما تا به امروز در خصوص توسعه کتاب‌های مناسب موفقیت‌های نسبی خوبی داشته‌ایم. فراموش نکنیم، در سال اول اجرای طرح سامان‌دهی، تنها ۱۸ درصد کتاب مناسب داشتیم و این تعداد در حال حاضر به ۶۰ درصد رسیده که عدد خوبی است. البته وقتی می‌گوییم در حوزه کتاب‌های داستانی ۵۵ درصد رشد داشته‌ایم، باید اشاره کنیم که این رشد به این دلیل بوده که سیاست‌گذاری در این زمینه کاملاً جنبه اغنایی، ترویجی و تبیینی داشته است. شاید الان و بعد از ۱۶-۱۷ سال از اجرای این طرح، جا داشته باشد کمی هم به جنبه‌های جدی‌تر و مؤاخذه‌ای اضافه کنیم.

به تصور من همه کسانی که در حوزه تولید و استفاده از کتاب‌های آموزشی فعال هستند، یک حرف دارند و آن هم این است که نباید اجازه دهیم این کتاب‌ها محل آموزش و باعث آسیب رسیدن به دانش‌آموزان باشند. به همین دلیل، باید نسبت به موضوع کتاب‌هایی که عمدتاً هم جنبه تجاری دارند و محل آموزش هستند، بیش از گذشته حساس باشیم و دقت کنیم که این کتاب‌ها اگر منطبق بر استانداردهای آموزشی تدوین نشوند، باعث دور شدن دانش‌آموزان از امر مطالعه و خواندن می‌شوند، در حالی که کتاب می‌تواند خیلی روحیه‌بخش باشد و آن‌هایی که کتاب‌خوان شوند و لذت مطالعه را بچشند، آن را با هیچ لذتی عوض نخواهند کرد. همین است که آدم‌هایی که اهل مطالعه می‌شوند، در شرایطی که احساس تنهایی و خلأ می‌کنند، این تنها کتاب است که می‌تواند نجاتشان بدهد. متأسفانه باید گفت، کتاب‌هایی که این روزها بخش بزرگی از بازار را در اختیار خود گرفته‌اند، دانش‌آموزان را نه تنها از خواندن، بلکه در کل از عنوان کتاب بیزار می‌کنند و این هم از آفات بزرگی است که از نگاه فرهنگی، درمان آن ضروری و غیرقابل چشم‌پوشی است.

